

دلایل سکوت رژیم صهیونیستی در جنگ قره باغ

وب سایت المانیتور در گزارشی تحلیلی، دلیل عدم حمایت رژیم صهیونیستی از باکو در مناقشه قره باغ را نگرانی از مقایسه شدن وضعیت کرانه باختری با ناگورنو قره باغ دانست. مناسبات خاص رژیم صهیونیستی و روسیه دلیل دیگری برای این سکوت تاکتیکی عنوان شده است.



به گزارش آران نیوز به نقل از المانیتور، آذربایجان و اسرائیل دو متحد استراتژیک محسوب می‌شوند. این اتحاد به ۱۹۹۳ بر می‌گردد، یعنی مدت کوتاهی پس از آنکه آذربایجان برای دومین بار به استقلال دست یافت.

در ابتدای ماه آوریل، درگیری‌های شدیدی بین نیروهای ارمنی و آدری در منطقه مورد مناقشه ناگورنو قره باغ رخ داد. آتش‌بس شکننده‌ای از آن زمان اعلام شده است. اما نکته سوال برانگیز این بود که زمانی که آذربایجان به حمایت دیپلماتیک نیاز داشت، اسرائیل به کمک متحد خود نشتافت.

اتحاد بین باکو و تل آویو از نقطه نظر سیاست عملگرایانه ژئوپلیتیک دارای پایه‌ای مستحکم است. در شرایطی که ایران و ترکیه دو همسایه بزرگ آذربایجان به عنوان حکومت‌هایی اسلام‌گرا با بلندپروازی‌های بزرگ شهرت دارند، باکو اهمیت ویژه‌ای به حفظ موقعیت خود به عنوان یک دولت سکولار قائل است. آذربایجان همچنین همواره مراقب بوده تا سیاست بی‌طرفی را در قبال دو قدرت منطقه‌ای یعنی ترکیه و روسیه حفظ کند و حتی در جریان بالا گرفتن تنش‌های دیپلماتیک بین آنکارا و مسکو در ماجرای ساقط شدن هواپیمای روسی این بی‌طرفی را حفظ کرد. در طی ۲۰ سال گذشته، آذربایجان از طریق توسعه منابع عظیم نفت و گاز خود ثروتمندتر شده، و ارتش این کشور نیز قدرتمندتر شده است. بر اساس برآوردهای انجام شده و گفته‌های یک منبع آگاه در یک انستیتوی انرژی اسرائیلی، حدود ۴۰ درصد از نفت مورد نیاز اسرائیل توسط جمهوری آذربایجان تامین می‌شود.

در طی ۲۰ سال گذشته، آذربایجان از طریق توسعه منابع عظیم نفت و گاز خود ثروتمندتر شده، و ارتش این کشور نیز قدرتمندتر شده است. بر اساس برآوردهای انجام شده و گفته‌های یک منبع آگاه در یک انستیتوی انرژی اسرائیلی، حدود ۴۰ درصد از نفت مورد نیاز اسرائیل توسط جمهوری آذربایجان تامین می‌شود.

در دهه ۱۹۹۰، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جنگی بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان در گرفت. ارمنی‌ها از حمایت روسیه برخوردار بودند در حالی که آذری‌ها تنها بودند. زمانی که آتش‌بس برقرار شد، آذربایجان ناگزیر شد منطقه مورد مناقشه ناگورنو قره باغ و هفت منطقه دیگر را که یک پنجم خاک این کشور را شامل می‌شد به ارمنستان واگذار نماید.

حدود یک میلیون نفر از شهروندان این مناطق اشغال شده ناگزیر به ترک خانه‌های خود و کوچ اجباری از سرزمین اجدادیشان شدند. در طی ۲۰ سال گذشته، آذربایجان از طریق توسعه منابع عظیم نفت و گاز خود ثروتمندتر شده، و ارتش این کشور نیز قدرتمندتر شده است. بر اساس برآوردهای انجام شده و گفته‌های یک منبع آگاه در یک انستیتوی انرژی اسرائیلی، حدود ۴۰ درصد از نفت مورد نیاز اسرائیل توسط جمهوری آذربایجان تامین می‌شود.

از سوی دیگر، قدرت گرفتن نظامی آذربایجان، عمدتاً متکی بر منابع نظامی بود که اسرائیل در اختیار این دولت قرار داده بود. آذربایجان طی سال‌های گذشته و ناامید از دریافت تسلیحات نظامی از روسیه رفته رفته به غرب و متحد آن در منطقه یعنی اسرائیل نزدیک شد. این موضوع به تدریج، باعث شد تا آذربایجان بر قدرت نظامی خود بیافزاید.

جامعه بین‌المللی وضعیت فعلی را مطلوب می‌داند. هرچند اروپا، نفت و گاز آذربایجان را می‌خواهد، اما برای پیشبرد مذاکرات دیپلماتیک برای پایان دادن به این منازعه پیشقدم نمی‌شود. ایالات متحده هم از حمایت لجستیکی آذربایجان در جریان جنگ در عراق و افغانستان منتفع شده، اما کاری برای پایان دادن به این درگیری قدیمی نمی‌کند، زیرا مشخص است که هیچ راه حل قطعی جز باز گرداندن سرزمین‌های اشغال شده وجود ندارد.

اما روسیه علاقمند به ادامه درگیری است. مسکو همواره خود را به عنوان یک میانجی دائمی بین این دو کشور مطرح کرده و اکنون در حال بررسی استقرار نیروهای پاسدار صلح خود در منطقه مورد مناقشه است. این امر مزیت افزایش حضور نظامی روسیه در امتداد با مرز ترکیه را افزایش داده است.

مطلوب‌ترین نتیجه، انجام مذاکرات دیپلماتیک بر اساس فرمولی مشابه فرمول اسرائیلی‌ها یعنی زمین در برابر صلح خواهد بود. اقتصاد ضعیف ارمنستان از چنین توافقی سود خواهد برد. بهبود روابط اقتصادی با ترکیه تنها یکی از مزیت‌های اقتصادی است که ارمنستان به محض خروج از مناطق اشغال شده آذربایجان می‌تواند از آن اطمینان یابد.

در این وضعیت، درخواست اسرائیل برای انجام مذاکرات بین دو طرف برای انعقاد یک موافقتنامه صلح دارای اعتباری ویژه خواهد بود. تاریخ به یاد دارد که رژیم اسرائیل در قبال صلح با مصر به شبه جزیره سینا بازگشت. اما چرا تل آویو سکوت اختیار کرده است؟ چرا اسرائیل حتی کلمه در حمایت از متحد مهم خود بر زبان نمی‌آورد؟

دلیل سکوت اسرائیلی‌ها در این مطلب نهفته است که از نظر سیاسی، اصرار رژیم اسرائیل بر حفظ وضعیت موجود در کرانه باختری در واقع مشابه موضع ارمنستان است. در اینجا هم وقتی صحبت از پایان دادن به مناقشه می‌شود، پوپولیسم ملی‌گرا جایگزین منافع ملی می‌شود. اسرائیل تلاش دارد تا جلوی مقایسه شدن ناگورنو قره باغ با کرانه باختری را بگیرد، زیرا این مقایسه به مذاق مقامات اسرائیلی خوش نمی‌آید.

در این وضعیت، درخواست اسرائیل برای انجام مذاکرات بین دو طرف برای انعقاد یک موافقتنامه صلح دارای اعتباری ویژه خواهد بود. تاریخ به یاد دارد که رژیم اسرائیل در قبال صلح با مصر به شبه جزیره سینا بازگشت. اما چرا تل آویو سکوت اختیار کرده است؟ چرا اسرائیل حتی کلمه در حمایت از متحد مهم خود بر زبان نمی‌آورد؟

هرگونه پیشنهاد اسرائیل برای معاوضه زمین در برابر صلح، می‌تواند اشغالگری آن‌ها را در کرانه باختری و همچنین موضوع معاوضه صحرای سینا را یادآوری کرده و همه اهداف اسرائیل برای سرمایه‌گذاری در ارتش آذربایجان را به باد دهد.

در همین حال، وب سایت انگلیسی الجزیره، در گزارشی در تحلیل مواضع کشورهای مختلف در مورد جنگ اخیر ارمنستان و آذربایجان به قلم هنریک سامپسون، استاد مطالعات امنیت بین‌المللی در دانشگاه ویرجینیا، نوشته است که مداخله اسرائیل در بحران قره باغ به گونه‌ای که به سود آذربایجان تمام شود، می‌تواند اسباب نگرانی روسیه را فراهم کند.

مسکو اگرچه صراحتاً جانب ارمنستان را نگرفته است اما به هیچ‌وجه علاقمند نیست مناقشه اخیر به سود آذربایجانی تمام شود که نه تنها خود را به اردوگاه غرب نزدیک کرده است بلکه با دشمن اصلی این روزهای مسکو، یعنی ترکیه نزدیکی بسیاری دارد.

روسیه همچنان یک بازیگر مهم و شاید مهمترین بازیگر خارجی در بحران سوریه، در نزدیکی مرزهای اسرائیل است. تل آویو تلاش کرده تا با عادی سازی روابطش با مسکو بتواند همچنان و بدون هیچ مانعی از سوی روسیه به اهدافش در سوریه دست یابد. در هفته جاری نیز بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل عازم مسکو است. بنابراین، هرگونه مشارکت اسرائیل در بحران ناگورنو قره باغ یا حمایتش از آذربایجان، می‌تواند هزینه‌های زیادی از جانب روسیه به همراه داشته باشد. در نتیجه، در بحران اخیر، اسرائیل چاره‌ای نداشت که برخلاف گذشته پردامنه‌اش با باکو، جانب سکوت را بگیرد.